



۱۴

وقتی نیش ها به هدف می خورند



۱۶

خلاصه زیبایی های کارون

زندگی

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۳۴



جام جم از جزئیات فنی تولید آزمایشی پژو ۳۰۱ با استفاده از ظرفیت شرکت های دانش بنیان گزارش می دهد

روزی که 301، ۳۰۱ شد

۱۵



info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۷

ارز-دولتی

بادوام از تهران:

دولت اعلام کرده کالاهای اساسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می شود، ولی قیمت ها در بازار نشان دهنده این موضوع نیست.

خواران-اراذل

مشایخی از تهران:

حضور و نزاع های شبانه اراذل و اوباش در پارک خیابان خواران در منطقه ۱۵ تهران باعث برهم زدن آسایش شهروندان شده است.

پزند-آسفالت

باقری از پزند:

جاده شهرک جدید پزند به رباط کریم بسیار نامناسب بوده و نیاز به آسفالت و رسیدگی دوباره دارد.

اتوبوس-تعطل

قاسمی از تهران:

متاسفانه بعضی از رانندگان اتوبوس های خط شهدا. ثامن الحجج بعد از حرکت از مبدا به آرامی مسافت های ابتدایی را رد کرده تا حجم مسافران در ایستگاه های پیش رو بیشتر شود که این موضوع باعث انتظار بیش از اندازه برای رسیدن اتوبوس و افزایش تعداد مسافران می شود.

ترافیک-موتور

پیرمحمدی از تهران:

از شهرداری درخواست می شود بازار ۱۵ خرداد را از موتورهای پاکسازی کند و رسیدگی ویژه ای نسبت به نظم این بازار مهم صورت دهد.

جوابیه

در پی درج پيامی در ۱۶ تير ۱۳۹۸ با عنوان «چالش ـ خانه تاريخي» مدير روابط عمومي و اموربين الملل سازمان نوسازی شهر تهران با ارسال نيمبري اعلام کرد: مسؤوليت صدور پروانه ساختمانی در همه مناطق شهر صرفا در اختيار شهرداری های مناطق است.

محدوده های تاریخی شهر و ابنیه ارزشمند و حریم آنها نیز در طرح تفصیلی شهر تهران مشخص بوده و شهرداری های مناطق بر اساس ضوابط و مقررات در این طرح می بایست اقدام به صدور پروانه ساختمانی تخریب و نوسازی کنند و در همه این مراحل استعلام از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران الزامی است. لذا صدور هرگونه پروانه ساختمانی در محدوده های تاریخی و ابنیه ثبتی و حریم آنها بدون اظهارنظر میراث غیرقانونی است.



۲ معلم در سیستان به صورت داوطلبانه به بچه های کولی حومه شهر زابل آموزش می دهند

ناجی کولی ها



مریم خباز

جامعه

چشم بعضی آدم ها، بعضی چیزها را بهتر از دیگران می بیند. در دو کیلومتری شهر زابل، شهر توفان شن و طغیان گرد و غبار، خیلی ها دیده اند که عده ای کولی نوی چادرهای خود خورده در خاک می لولند و بد زندگی می کنند ولی از بین همه آنهایی که دیده و احیانا چشم چرخانده اند به سمتی دیگر، فقط چشم دو نفر جور دیگری دیده است. این دو معلم اند، هر دو اصالتا زابلی ولی هر دو شاغل در زهک، در منطقه ای که محرومیت در آن خانه زاد است. داستان بچه های کولی اما داستانی جدا از محرومیت های مرسوم است، محرومیت اینها چنان عمیق است که این دو معلم بومی دلشان برای آرزوی ریش شده و آستین بالا زده اند تا به قدر وسع خویشتن دستی به سرنوشت شان بزنند. ابزار آنها آموزش است و زبان شان نرم، مشوق هایشان نیز يك مشت خوراکی ارزان قیمت و در نهایت پاپوش.

مریم شهری ۳۲ ساله، آموزگاری که هفت سالی می شود معلم کلاس اولی ها است درباره جزئیات کارش در محله امیرآباد زابل و چادر کولی های گوید.

طوری که مجبور شدیم بچه ها را چند تا چند تا سوار ماشین کنیم و جدا از بقیه به آنها دمپایی بدهیم.

چارمپایی؟

چون روز اول دیدیم که همه بچه ها پایشان لخت است و روی خاک و خاشاک، پابرهنه راه می روند. این دمپایی ها را فرد خیری تهیه کرده بود تا آنها را از پابرهنگی نجات دهد این موضوع ابزاری شد برای فهمیدن تعداد بچه ها و روزهای جهت ورود به زندگی شان.

بچه ها چند نفرند؟

وقتی ۲۰۰ دمپایی بین بچه ها توزیع کردیم، فهمیدیم ۱۵۰ نفرشان هنوز بی دمپایی مانده اند که می شود ۳۵۰ کودک.

چه شد که کار در محله کولی ها را از اقلام زیستی به آموزش رساندید؟

در اولین برخورد با بچه ها فهمیدیم آنها با امکانات اولیه زندگی هم آشنا نیستند. نظم اصلا برایشان معنی نداشت و بسیار شلوغ بودند، سلام کردن را هم به هیچ وجه بلد نبودند، چون هیچ کدامشان تا به حال به مدرسه نرفته بودند، بنابراین راه حل را در ارائه آموزش های اولیه به آنها دیدیم.

آموزش را از کی شروع کردید؟

بعد از تعطیلی مدارس که فصل بیکاری ماست.

بچه ها را چطور جذب کردید؟ خانواده ها راضی بودند بچه ها آموزش ببینند؟

خانواده این بچه ها هیچ کدام سواد ندارند، اما وقتی به آنها توضیح دادیم می خواهم به بچه ها سواد یاد بدهیم و کمک کنیم تا چیزهای خوب یاد بگیرند، راضی شدند. در واقع اصلا مخالفتی با کار ما نداشتند. البته برای جذب این افراد از مشوق های مالی استفاده کردیم، مثلا گفتیم ما به بچه ها صبحانه می دهیم که این مشوق ها نتیجه بسیار خوبی داشت و خود بچه ها را هم خیلی خوب جذب کرد.

یعنی يك وعده غذا این همه برای بچه ها مهم است؟

بله، خیلی زیاد. ما در چادر کولی ها هرگز بوی غذا به مشام مان نخورد، سفره ای ندیدیم که داخلش نان باشد. حتی اینها آب برای خوردن ندارند و از خانه های



مردم آب می گیرند، در مجموع اوضاع زندگی و وضع بهداشتی شان بسیار بد است. در هیچ چادری ما حمام یا سرویس بهداشتی ندیدیم، نهایت فضایی که برای استحمام وجود دارد چند تا بلوک سیمانی گوشه چادر است. طبیعتا در چنین جامعه ای يك وعده غذا بسیار مهم است.

غذا چه می دهید؟

هرچه در توان مان باشد. نان و پنیر، ساندویچ و حتی بستنی.

شروع کار تا آن صبح هاست؟

بله. ۸ تا ۱۰ صبح.

کجا مستقر هستید؟

در همان محله کولی ها. یکی از چادرهای کولی ها استثناست و کولر و لامپ دارد و روزی ۴۰ هزار تومان کرایه اش کرده ایم.

یعنی اینی چادر برق دارد؟

بله برق را به صورت غیرقانونی از خانه های اطراف به چادر رسانده و کابل برق به طرز خطرناکی زیر دست و پا است.

روال تدریس تان چطور است؟

صبح ها راس ساعت ۸ کمی قصه می خوانیم و آموزش های اولیه داریم و بعد صبحانه می خوریم و دوباره آموزش را شروع می کنیم.

آموزش های اولیه یعنی چه؟

سه روز اول به بچه ها درباره سلام کردن و این که چه زمانی باید سلام کرد، آموزش دادیم. درباره رعایت نظم و ترتیب، این که نباید بی دلیل موهای هم را بکشند و به هم ناخن بیندازند حرف زدیم، همچنین درباره این که باید بهداشت فردی را رعایت کرد.

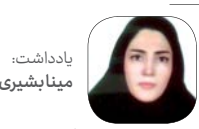
این آموزش ها قایده ای هم داشته؟

بله، خیلی زیاد. بعد از سه روز بچه ها سلام کردن و دست دادن را کاملا یاد گرفتند، بانظم تر هم شده اند و حالا دیگر می دانند هنگام تدریس باید نیمدایره بنشینند و بدون این که همدیگر را اذیت کنند به درس گوش دهند. اینها البته ساده به دست نیامده.

یکی از روش های ما برای آموزش این است که از بچه ها می خواستیم روی خطوط صاف قالبی در يك صف بنشینند و به آنها گفتیم فقط به بچه هایی که منظم بنشینند صبحانه بستی می دهیم.

برای بچه ها چه کتاب هایی می خوانید؟ مضمون قصه ها چیست؟

اولین کتابی که برای بچه ها بردیم يك کتاب تصویری و پر از عکس بود. بچه ها که عکس ها را می دیدند حسابی بعد درباره این که این عکس ها چه هستند صحبت کردیم و برایشان قصه گفتیم. جالب بود که دفعه دوم بیشتر بچه ها قصه عکس ها را یاد گرفته بودند و با زبان خودشان توضیح می دادند. بعضی ها هم برداشت آزادی از عکس ها داشتند و توضیح می دادند.



یادداشت: مینا بشیری

کار کودک

کار جامعه

کودکان کار از نظر جامعه شناسی به افرادی گفته می شود که به صورت مستمر مستقل یا با اجبار خانواده به کار گرفته می شوند و این فعالیت مانع از آن می شود تا مانند دیگر کودکان بتوانند تجربه این دوران را به صورت عادی و معمول سپری کنند.

به طور کلی علت اصلی شکل گیری کودک کار و مشغول شدن آنها در اموری مانند دستفروشی، خدماتی، رباله گردی و نظایر آن را باید در فقر و درآمد کم خانواده، جنگ ها، مهاجرت از روستا به شهر، شوك اقتصادی، بی سرپرستی و بدسرپرستی، طلاق و اعتیاد والدین، مرگ آنان جست و جو کرد. در ایران به خاطر نبود متولی کودکان کار، آمار دقیقی در ارتباط با تعداد این کودکان و تابعیت آنان وجود ندارد.

برخی منابع، تعداد آنان را سه میلیون و برخی دیگر ۸۰ هزار نفر اعلام می کنند که ۲۰ هزار نفر از آنان در تهران حضور دارند. از نظر تابعیت نیز براساس اعلام کارشناسان، ۹۰ درصد این کودکان خارجی و از کشورهایی چون افغانستان، پاکستان و سوریه هستند که اتباع خارجی به صورت قاچاق یا به دلیل مهاجرت به ایران مشغول کار هستند و فقط ۳۵ درصد از کودکان کار تهران از اتباع شهرهای مختلف افغانستان هستند.

آنچه ضروری است و می تواند با استفاده از آن در کاهش این معضل اجتماعی کوشید در درجه نخست تقویت نظام رفاهی کشور، مقابله با قاچاق این کودکان از خارج و از بین بردن بستر موجود و تعیین متولی مشخص، اقدامات کارشناسانه، دقیق، منظم و مستمر برای کاهش و از میان بردن این مشکل اجتماعی امروز است.

تعیین يك نسخه واحد برای مقابله با این معضل نیز نمی تواند کارساز باشد و بر اساس اعلام انجمن حمایت از حقوق کودکان تاکنون بیش از ۳۱ برنامه برای مقابله با این مشکل اجرا شده اما نوانت به سرانجام نرسد. البته از سال ۷۸ برنامه

ساماندهی کودکان خیابانی از سوی هیات دولت تصویب و بر این اساس سازمان بهزیستی مسؤول اصلی ساماندهی به این موضوع تعیین شد و قرار است با همکاری دیگر نهادهای اجتماعی نظیر شهرداری ها و سازمان های مردم نهاد موضوع را دنبال کنند ولی وجود مشکلات اقتصادی و جمع آوری کودکان که شمار زیادی از آنان دارای خانواده نیز هستند موجب شده به همین دلیل پس از جمع آوری تحویل خانواده ها شده و به خاطر مشکل درآمد خانواده نیز پس از تحویل بار دیگر کودکان به اجبار در خیابان ها ظاهر می شوند. انجام برخی اقدامات مانند حمایت از خانواده های کودکان کار، جذب از سوی سیستم های آموزشی برای تغییر روند زندگی آنان، مهارت آموزی و توانمندسازی و افزایش آگاهی های این کودکان و استفاده از تجارب دیگر کشورهای جهان با کمک همه دست اندکاران دولتی امور و یاری سازمان های مردم نهاد موجب می شود تا زمینه ها برای افزایش کودکان کار در جامعه از بین برود.